

بررسی اسناد روایات دلایل و کرامات امامان شیعه (ع) بر اساس قواعد درایة الحدیث

کامران محمدحسینی*

اصغر قائدان**

چکیده

در میراث حدیث شیعه، با روایاتی مواجه می‌شویم که افعال خارق عادات و کرامات ائمه (ع) را با هدف اثبات حقانیت ایشان در برابر مخالفان نقل می‌کنند. این روایات مانند دیگر احادیث حاکی از قول و فعل امامان (ع)، باید از نظر متن و سند بررسی و نقد شود. با توجه به اینکه نقل روایات دلایل و کرامات امامان (ع) محل توجه و علاقه غالبان بوده، نقد و پالایش این روایات ضرورت بیشتری دارد. مسئله این پژوهش، که اسناد روایات دلایل امامان (ع) را بر اساس قواعد علم درایة الحدیث بررسی می‌کند، این است که: جایگاه کتب و روایات دلایل و راویان آن بر اساس قواعد درایة الحدیث چگونه است؟ محدوده بررسی این پژوهش، کتب دلایل‌نگاری، و مجموعه‌های روایی موجود شیعه تا قرن هفتم هجری و روایات کرامات و دلایل امام ششم (ع) تا امام یازدهم (ع) شیعیان اثناعشری است. این بررسی نشان می‌دهد برخی اشکالات اساسی به مؤلفان متون دلایل‌نگاری یا اعتبار این کتب وارد است و اشکالاتی نیز به سند روایات و راویان آنها، که یا ضعیف‌اند یا مجهول، یا روایاتشان مرسل است؛ و البته اختلاف نظر رجالیان در توثیق یا تضعیف راویان، قضاوت را دشوار کرده است.

کلیدواژه‌ها: امامان شیعه (ع)، دلایل، کرامت، درایة الحدیث، علم رجال.

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع (نویسنده مسئول)، Email: k.mohammadhoseini@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

Email: qaedan@ut.ac.ir

[تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۱]

مقدمه

کتاب دلایل بخش بزرگی از میراث حدیث شیعه را شکل می‌دهند که در آنها گزارش‌هایی در خصوص «معجزات» و «کرامات» ائمه (ع) آمده است. در اینجا لازم است به اختلاف متکلمان و محدثان در کاربرد این دو واژه اشاره کنیم. بیشتر متکلمان شیعی میان معنا و مصداق واژه‌های «معجزه» و «کرامت» تفاوت می‌گذارند و افعال خارق‌عادت را که از پیامبر (ص) سر می‌زند و از دیگران بر نمی‌آید و با تحدی همراه است، معجزه می‌شمرند و افعال خارق‌عادت امامان (ع) را کرامت نامیده‌اند (نک: شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۳۲؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳۵۱؛ فخرالدین رازی، ۱۹۸۶: ۱۹۹/۲)، در حالی که بیشتر محدثان، که نگارندگان متون دلایل امامان (ع) هستند، به‌صراحت و به‌فراوانی برای اشاره به همه اشکال افعال خارق‌عادت امامان (ع) از واژه «معجزه»، هم‌معنا با واژگانی مانند دلیل، آیه، بینه و ... استفاده کرده‌اند (نک: الخصبی، ۱۴۱۹: ۱۷۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱۷۱/۱ و ۲۰۰/۲، ۲۵۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۳۷/۱ و ۵۲۰؛ حسین بن عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۳۹ و ۱۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۴۱/۱). بدین ترتیب افعال گوناگونی که دامنه مضامین آنها زنده‌کردن مردگان، خلق اشیا، تغییر در سیر طبیعی اشیا، علم به امور غیبی و علم به افکار اشخاص یا علم به آینده را در بر می‌گیرد، در متون دلایل برای امامان نقل شده است.

در این مقاله بررسی اسناد روایاتی که محدثان در مجموعه‌های خود گرد آورده‌اند مد نظر است، نه بحث از معنا و مصداق فعل خارق‌عادت و تعیین مفهوم و معنای واژگان مرتبط با آن، یا نقد و ویرایش مفاهیمی که محدثان استفاده کرده‌اند. از این‌رو در این پژوهش واژه عام «دلایل» برای اشاره به تمامی آنچه در منابع حدیث شیعه به عنوان افعال خارق‌عادت و غیرمعمول امامان (ع) شناخته شده به کار برده شده است.

با وجود اینکه قرن‌ها است علم درایة‌الحدیث همچون ابزاری برای نقد احادیث و روایات نقل‌شده از معصومان شکل یافته و بیشتر علمای شیعی آن را قبول دارند (درباره تاریخ علم درایة‌الحدیث نک: سبحانی، ۱۴۱۲: ۷-۱۱؛ ربانی، ۱۳۸۰: ۶-۷) هیچ‌گاه این قواعد به طور منسجم و نظام‌مندی برای بررسی و نقد اسناد روایات دلایل به کار گرفته نشده است. این در حالی است که روایات دلایل و کرامات امامان (ع) افزون بر اینکه مستقیماً با مسائل اعتقادی و کلامی درباره صفات امامان (ع) ارتباط دارند، بخشی از سیره امامان (ع) را تشکیل می‌دهند و تحقیق در صحت صدور آنان ضروری می‌نماید.

در این پژوهش با انتخاب بخش بزرگی از روایات معجزات امامان (ع) و تحقیق در آنها آسیب‌های متوجه اسناد این روایات بررسی شد. دامنه روایات بررسی شده در این پژوهش عبارت است از: روایات معجزات امام ششم (ع) تا امام یازدهم (ع) شیعیان در متون حدیثی و دلایل‌نگاری تا قرن ششم هجری.^۱ پرسش اصلی پژوهش این بوده است که منابع و روایات معجزه امامان (ع) از نظر درایة‌الحديث چه جایگاهی دارند و در صورتی که این روایات اشکالاتی دارند، اصلی‌ترین این اشکالات چیست. بر اساس فرضیه این پژوهش، بخشی از روایات دلایل امامان شیعه (ع) اشکالاتی از نظر درایة‌الحديث دارند که مهم‌ترین آنها شیوع راویان مجهول و راویان ضعیف، نقل روایات به شکل مرسل و نیز ضعف کتاب‌ها و متون دلایل‌نگاری از نظر انتساب به مؤلفان آنها است.

بر اساس قواعد علم درایة‌الحديث، روایات منسوب به قول و فعل امام (ع) را باید از نظر سند و متن بررسی کرد (نفیسی، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۹). نقد محتوای روایات، که برای آن باید حدیث را با آیات قرآن، احادیث صحیح و یافته‌های عقلی و علمی سنجد، هدف این پژوهش نیست. آنچه در اینجا مد نظر است صرفاً پژوهش در کتب و روایات دلایل و تلاش برای شناخت آسیب‌های متوجه اسناد آنها است. قبل از هر چیز شایان یادآوری است که سند صحیح بر اساس قواعد علم درایة‌الحديث سندی است که متصل باشد و تمامی راویان موجود در آن، حدیث را مستقیماً از شیخ خود شنیده باشند و نیز تمامی راویان در تمامی طبقات، امامی و عادل و ثقه باشند. به سخن دیگر، اگر حتی یکی از راویان سلسله سند از نظر علم رجال ضعیف باشد یا سند به نوعی مرسل باشد، از نظر علمای درایة‌الحديث صحیح و قابل اعتماد نیست (صدر عاملی، بی‌تا: ۲۳۵؛ سبحانی، ۱۴۱۲: ۴۳؛ نفیسی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۶).

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود بررسی صحت سند روایت نیاز به شناخت تک‌تک راویان سند و تعیین ثقه بودن یا نبودن آنها از نظر علم رجال دارد. تحقیق درباره وثاقت راوی در علم رجال بر اساس قواعدی صورت می‌گیرد که درباره آنها بین علمای رجال اختلافات بسیاری وجود دارد؛ به حدی که تعیین وثاقت راوی را تا حد زیادی به عملی اجتهادی تبدیل کرده است. با این حال بر اساس قواعدی که علمای رجال در خصوص آن اتفاق نظر دارند، برای تعیین وثاقت راوی در آغاز باید به کتب رجالی اصلی شیعه

مراجعه کرد و اگر راوی با الفاظ «تعديل» یا «تجريح» توصیف شده باشد و درباره او بین رجالیان اختلافی نباشد می‌توان حکم به ثقه‌بودن یا نبودن وی کرد (خویی، ۱۴۱۰: ۴۱/۱-۴۳؛ الفضلی ۱۴۱۶: ۸۹-۹۶؛ ربانی، ۱۳۸۰: ۲۴۸). اگر درباره راوی خاصی در منابع داوری نشده باشد یا در صورتی که اختلافی میان علمای رجال وجود داشته باشد از قواعد توثیق عام برای تعیین وثاقت راوی استفاده می‌شود (درباره این قواعد نک.: خویی، ۱۴۱۰: ۴۹/۱-۸۳). در این پژوهش نیز، برای بررسی وثاقت راوی، ابتدا به منابع اصلی رجال شیعه (اصول رجالی) رجوع کرده‌ایم و سپس نظر رجالیان متأخر را درباره هر فرد از نظر گذرانده‌ایم.

در پایان تذکر این نکته درباره روش‌شناسی این پژوهش و نتایج برآمده از آن لازم است که روش‌های نقد حدیث نزد علمای متقدم شیعی با روش علمای متأخر، که به وضع قواعد علم درایة‌الحدیث پرداخته‌اند، متفاوت است و بررسی این روایات بر اساس علم درایة‌الحدیث صرفاً یکی از روش‌های نقد و تحلیل روایات است (نک.: عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۳۱-۴۳؛ خدایاری، ۱۳۸۲: ۱۵۸-۱۶۲). بررسی متون و منابع روایات دلایل امامان (ع) بر اساس مبانی علمای متقدم، خود تحقیقی دیگر می‌طلبد و شاید به نتایجی متفاوت از تحقیق حاضر بینجامد. از سوی دیگر، چنان‌که گفته شد، در این مقاله فقط اسناد روایات دلایل و کرامات امامان (ع) را بررسی می‌کنیم و نقد محتوایی روایات مد نظر ما نیست. از این رو توجه به این موضوع لازم است که ضعف سند روایات همیشه دلالت بر ضعف متن روایات ندارد و ممکن است سند روایت یا روایاتی دچار اشکال باشد، اما محتوای روایت از طرق دیگر، مانند سازگاری با قرآن و روایات یا عقل، تأیید شود.

۱. بررسی متون دلایل

بخشی از اشکالات روایات دلایل امامان (ع) را می‌توان در سطح متون و منابع شناسایی کرد. برخی از آن منابع بر اساس معیارهای درایة‌الحدیث ضعیف‌اند و با شناسایی آنها دیگر نیازی به بررسی روایات موجود در آنها نخواهد بود. بر اساس قواعد درایة‌الحدیث، نویسنده کتاب حدیثی (محدث) بخشی از سند و در واقع ابتدای سند حدیث است، که مانند دیگر اعضای سند باید از نظر علم رجال تأیید

و شناخته شده باشد، و نیز روایات را از شیخ خود به شکل مستقیم کسب کرده باشد. بنابراین، اگر راوی کتابی ناشناخته باشد یا نسبت دادن کتابی به نویسنده‌ای قطعی نباشد در حقیقت ابتدای سند همه احادیث موجود در آن کتاب مجهول خواهد بود. همچنین، اگر نویسنده کتاب از نظر علم رجال ضعیف و مطعون باشد اسناد تمام روایات جمع‌آوری شده در آن کتاب ضعیف خواهد بود.

ضعیف‌بودن نویسنده کتاب‌های دلایل امامان (ع) از جمله ضعف‌هایی است که حتی در برخی منابع نخستین حدیثی شیعه، که امروزه در دست نیست، قابل تشخیص است. برای نمونه، تعدادی از نویسندگانی که رسالتی با نام *دلایل* یا *دلایل الامامة* داشته‌اند و نجاشی در فهرست خود از آنان نام برده، مانند محمد بن علی الصیرفی (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۲)، علی بن احمد ابوالقاسم کوفی (همان: ۲۶۶) و الحسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی (همان: ۳۶) از نظر رجالیان ضعیف و مطعون‌اند. از میان منابع باقی‌مانده نیز همه روایات کتاب *الهدایة الکبری*، از آثار کهن دلایل‌نگاری شیعه، به دلیل ضعیف‌بودن نویسنده آن، حسین بن حمدان الخصیبی (متوفای ۳۵۸ ه.ق.)، که از سران فرقه نصیری و متهم به غلو بوده، ضعیف است (همان: ۶۷؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۵۴؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۴ الف: ۲۵).

ناشناس‌بودن نویسنده کتاب و احتمال مجعول‌بودن کتاب از دیگر عواملی است که اعتبار روایات موجود در کتاب را خدشه‌دار می‌کند؛ از این رو است که روایات کتاب *دلایل الامامة طبری*، اثر مشهور دلایل‌نگاری شیعی، از نظر قواعد درایة‌الحدیث ضعیف است.^۲ این کتاب را به محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، معروف به طبری صغیر، منسوب کرده‌اند، اما درباره وجود چنین شخصی تردید وجود دارد. علاوه بر طبری تاریخ‌نگار سنی‌مذهب، سه نفر دیگر با عنوان محمد بن جریر طبری در میان نویسندگان شیعی وجود دارند. اولین طبری از یاران امام حسن عسکری (ع)، دومی نویسنده کتاب *المسترشد و سومی*، که هویتش معلوم نیست، نویسنده کتاب *دلایل الامامة* است (طهرانی، ۱۴۰۸: ۲۴۲/۸-۲۴۷؛ انصاری، ۱۳۷۳: ۱۴۲-۱۴۴؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۴ ب: ۲۲۴-۲۲۵). کتاب دیگری که به این نویسنده نسبت داده شده کتاب *نوادر المعجزات* است که باز هم نمی‌توان از هویت نویسنده آن مطمئن بود (طهرانی، ۱۴۰۸: ۳۴۹/۲۴).

گذشته از دو عامل ضعیف راوی و ناشناخته‌بودن نویسنده کتاب، ضعف سومی که می‌توان در بسیاری از منابع دلایل‌نگاری یافت، نقل روایات از منابع قبلی بدون ذکر

سند آنها است. این مسئله از مهم‌ترین عواملی است که روایات معجزه و دلایل امامان (ع) را از نظر سندشناسی با مشکل روبه‌رو کرده است، به گونه‌ای که امکان تحقیق در صحت بخش عمده‌ای از روایات را از میان برده و روایات این کتاب‌ها را در زمره روایات مرسل، که از نظر علم درایة‌الحديث ضعیف‌اند، قرار داده است. حذف سند روایات نزد نویسندگان کتاب‌های تاریخ و دلایل‌نگاری رویکردی شایع بوده، به نظر می‌رسد رواج این اندیشه که فقط روایات فقهی باید از نظر سند بررسی شوند و این گمان که نقل هر گونه روایتی که از قدرت فوق‌العاده امامان (ع) حاکی باشد خدمت به تشیع است، باعث شده گروهی از محدثان، این گونه روایات را نه تنها بدون تحلیل سند بلکه اصلاً با نادیده گرفتن سند و حذف آن بپذیرند و در کتاب‌های خود نقل کنند.

روایات موجود در این گونه کتاب‌ها یا به کلی فاقد سند است یا فقط بخشی از سند آنها ذکر شده است. گاهی نویسنده کتاب، روایت را از کتب پیش از خود نقل کرده بدون اینکه مشایخ خود تا آن کتاب را ذکر کند و گاهی فقط بخش پایانی سند و راوی اصلی و شاهد ماجرا یا ابتدای سند و نویسنده کتاب منبع را نام برده است. بر این اساس، روایاتی که با الفاظی مانند روی، ذکر، عن و ... شروع شده و آخرین راوی سند آن شیخ بی‌واسطه نویسنده کتاب نیست از جمله روایات مرسل محسوب می‌شود.

اثبات الوصیة منسوب به حسین بن علی مسعودی، عیون المعجزات منسوب به حسین بن عبدالوهاب، الارشاد والاختصاص نوشته شیخ مفید، اعلام الوری اثر طبرسی، الخرائج والجرائح اثر قطب‌الدین راوندی، مناقب آل ابی طالب اثر محمد بن علی بن شهر آشوب و الثاقب فی المناقب نوشته ابن حمزه طوسی از مهم‌ترین منابع تاریخی - حدیثی و دلایل‌نگاری شیعی تا قرن هفتم هجری است که همه یا بخش عمده روایاتشان بدون سند یا بدون سند کامل روایت شده است.

بدین ترتیب بخش عمده‌ای از روایات موجود در منابع حدیثی شیعه از نظر علم درایة‌الحديث نقدناپذیر است. با این حال باید در نظر داشت که بسیاری از روایات موجود در این منابع به شکل مسند و با سند کامل در کتب پیشین یافت می‌شوند؛ و در حقیقت در این منابع تکرار شده‌اند.

۲. بررسی اسناد روایات دلایل

بر اساس آنچه تا اینجا گفته شد، آسیب‌شناسی روایات دلایل و معجزات امامان (ع) را باید صرفاً به روایاتی محدود کرد که اولاً در منابع معتبر گرد آمده، و ثانیاً سندشان کامل است و نویسنده با نقل روایات از مشایخ خود آن احادیث را در اثر خود نقل کرده است. از این رو دایره تحقیق ما (در محدوده زمانی مد نظر، یعنی تا قرن هفتم) محدود می‌شود به کتاب‌هایی مانند *بصائر الدرجات*، *کافی*، *عیون اخبار الرضا*، *رجال کشی*، *امالی شیخ مفید* و *شیخ صدوق* و *شیخ طوسی*، *قرب الاسناد*، *کمال الدین* و *تمام النعمة* و *الغیبة* که هرچند هیچ یک کتاب دلایل‌نگاری نیستند اما بیشترین روایات مستند دلایل و کرامات امامان (ع) را در خود گرد آورده‌اند. از این میان کتاب‌های *بصائر الدرجات* و *کافی* و *عیون اخبار* بیشترین روایات را در بر دارند و باقی منابع، روایات بسیار کمتری را شامل می‌شوند. در این بخش از نوشتار، به ضعف‌های عمده روایات دلایل امامان (ع)، صرف نظر از ضعف منابع آنان، خواهیم پرداخت. با بررسی روایات دلایل و معجزات امام ششم (ع) تا امام یازدهم (ع) در این منابع، اطلاعات مفیدی درباره روایان اصلی این‌گونه روایات و صحت و ضعف اسناد آنان به دست می‌آید که در ادامه با تفصیل بیشتر از آن سخن خواهیم راند.

پرتکرارترین ضعف اسناد روایات دلایل و کرامات امامان (ع) وجود روایان مجهول در سند این روایات است. روایان مجهول راویانی هستند که یا نامشان در منابع رجالی نیامده یا نامشان در منابع آمده اما مدح و ذمی درباره آنان وجود ندارد و نمی‌توان به وثاقتشان حکم کرد^۳ (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۶: ۱۱۹؛ نفیسی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۸؛ ربانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

در اسناد بسیاری از روایت دلایل امامان (ع) راویان مجهولی وجود دارند که بسیاری فقط یک یا دو روایت نقل کرده‌اند. برخی از این راویان در زمره عالمان حدیث و شاگردان ائمه (ع) نیستند و صرفاً شاهد یک معجزه از امام بوده‌اند. گروهی از این افراد از کارگزاران سیاسی خلفای زمان‌اند (برای نمونه: ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۱۴ و ۷۴/۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۴۷۵/۱) و گروهی از کنیزان و غلامان امامان (ع).

از سوی دیگر، نام برخی از راویان مجهول را می‌توان بارها در اسناد روایات متعدد دلایل امامان (ع) مشاهده کرد. برای نمونه، بیشترین حجم روایات کتاب *دلایل الامامة* از طریق راویان مجهول و ناشناخته مانند عمارة بن زید و سفیان بن وکیع و بدر بن عمار

الطبرستانی و محمد بن هارون بن موسی التعلکبری روایت شده است (برای نمونه نک: طبری، ۱۴۱۹: ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۳۱۷ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۴۰۰ و ۴۱۲ و ۴۴۹ و ۲۵۰ و ۳۶۲ و ۳۹۸ و ۲۴۸ و ۳۸۳ و ۴۱۰ و ۲۹۱ و ۲۹۹ و ۲۷۵). در اصل وجود افرادی با نام عماره بن زید و بدر بن عمار الطبرستانی تردید هست و تنها اطلاعی که از آنان در دست است از طریق راویان آنها، یعنی عبدالله بن محمد البلوی و محمد بن عبدالله الشیبانی، است که هر دو ضعیف و مطعون هستند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۰۳؛ نمازی، ۱۴۱۲: ۹۵/۴ و ۸۷/۲). نام سفیان بن وکیع نیز در منابع رجالی نیامده و درباره محمد بن هارون بن موسی التعلکبری نیز توثیقی در دست نیست (خویی، ۱۴۱۰: ۳۱۸/۱۷؛ نمازی، ۱۴۱۲: ۹۵/۴).

در سایر منابع نیز نام برخی افراد مجهول تکرار شده است. نام علی بن عبدالله الوراق و احمد بن محمد بن یحیی العطار، که هر دو از مشایخ شیخ صدوق بوده‌اند و در منابع رجالی شناخته شده نیستند (خویی، ۱۴۱۰: ۸۵/۱۲ و ۳۲۷/۲) در روایات دلایل موجود در کتاب *عیون اخبار الرضا (ع)* چندین بار تکرار شده است (برای نمونه: ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۹/۱ و ۲۴ و ۱۷۳/۲ و ۲۰۵-۲۰۸ و ۲۱۶ و ۲۱۸ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۴۲ و ۲۵۴ و ۲۶۳).

دیگر اشکال عمده روایات دلایل و کرامات امامان (ع) حضور راویان ضعیف و راویان متهم به غلو در سند روایت این احادیث است. گروهی از این راویان، روایاتی اندک و بیشترشان فقط یک روایت نقل کرده‌اند. اما نام گروهی دیگر از این راویان بارها در اسناد روایات تکرار شده و در حقیقت از مهم‌ترین راویان روایات معجزه امامان (ع) هستند و در طرق حدیثی خاصی تکرار شده‌اند: در کتاب *کافی*، احمد بن مهران، که در خصوصش تردیدهایی وجود دارد، و گذشته از تضعیف ابن غضائری درباره او باقی رجالیان نیز او را توثیق نکرده‌اند (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۴۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۴۶/۲) بیشتر روایات خود در موضوع دلایل امامان (ع) را از محمد بن علی الصیرفی، معروف به ابوسمینه، نقل کرده (برای نمونه روایات وی نک: کلینی، ۱۳۶۲: ۲۱۰/۱ و ۲۸۵ و ۳۱۳ و ۳۰۸ و ۳۲۱ و ۴۸۴ و ۴۷۸ و ۳۵۴) که نزد رجالیان شیعه به شدت تضعیف شده است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۳؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۴). به طور کلی، محمد بن علی الصیرفی از مهم‌ترین راویان روایات دلایل امامان (ع) در منابع گوناگون حدیثی شیعه مانند کتاب *دلایل الامامة* است (برای نمونه نک: طبری، ۱۴۱۳: ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۴۲؛ نیز روایاتش در: کشی، ۱۳۴۸: ۳۸۱ و ۴۴۲ و ۴۴۵).

سهل بن زیاد آدمی از دیگر روایان ثقة نزد کلینی در نقل روایات معجزه و دلایل امامان است (برای نمونه: کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۳۵۱ و ۳۹۵ و ۲۲۱ و ۴۹۱ و ۴۹۵ و ۴۹۶) که از نظر رجالیان ضعیف است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۸۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲۲۷؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۶۶؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۳۷/۸). اسحاق بن محمد بن احمد النخعی که بیشتر روایات معجزه امامان هادی (ع) و عسکری (ع) را در کتاب کافی نقل کرده است (برای نمونه: کلینی، ۱۳۶۲: ۵۰۸/۱-۵۱۲) از دیگر افراد ضعیفی است که به گفته نجاشی معدن التخلیط بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۷۳؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۴).

علی بن ابی حمزه بطائنی (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۱۷۲ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۳۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۳۸۵/۱ و ۱۰۶/۵)، ابراهیم بن اسحاق الاحمری (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۹۳ و ۲۱۸؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۲۵۶ و ۵۶۲ و ۱۰۶/۵)، محمد بن حسان (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۲؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۳۶۶ و ۴۹۲ و ۴۹۷)، داوود بن کثیر الرقی (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۲۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۷/۲)، موسی بن سعدان (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۲۷۱ و ۴۰۳ و ۲۴۱ و ۴۰۱ و ۲۴۱) از جمله دیگر روایانی هستند که روایات متعددی از آنان در کتاب‌هایی مانند کافی، بصائر الدرجات، امالی طوسی و رجال کشی نقل شده و از نظر علمای رجال ضعیف‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۴۹ و ۱۹ و ۳۳۸ و ۵۸؛ کشی، ۱۳۴۸: ۴۰۳/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۱۶؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۶؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۱/۲۲۲ و ۱۵/۱۹۰ و ۷/۱۲۲).

جعفر بن محمد بن مالک الفزاری، که به تصریح نجاشی ضعیف و به گفته ابن‌غضائری غالی است (نجاشی، ۱۴۱۶؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۴۸)، محمد بن جعفر بن بظه، که نجاشی او را در نقل حدیث سهل‌انگار دانسته (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۵/۱۵۷)، تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی، که به دلیل تضعیف ابن‌غضائری و ابن‌داوود و علامه حلی دیگر رجالیان نیز او را توثیق نکرده‌اند (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۴۵؛ ابن‌داوود، ۱۳۸۳: ۴۳۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳/۳۷۹) از دیگر روایانی هستند که هر یک چند روایت در کتاب *عیون اخبار الرضا* نوشته شیخ صدوق دارند (برای نمونه: ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۰۱ و ۲۰۰/۲ و ۲۴۵ و ۲۶۰ و ۲۱۸).

گروهی از روایان روایات دلایل امامان (ع) نیز روایانی هستند که هرچند رجالیان درباره ضعف آنان متفق نیستند، اما می‌توان تردیدهای جدی درباره آنها مطرح کرد و بسیاری از روایات معجزه امامان (ع) نیز از ایشان نقل شده است. از جمله این افراد

ابراهیم بن هاشم از بزرگترین راویان حدیث شیعه و از فعالترین راویان احادیث دلایل امامان (ع) است (برای نمونه: کلینی، ۱۳۶۲: ۴۷۷/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۲/۱ و ۹۳ و ۲۶ و ۲۰۴/۲ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۴ و ۲۱۷ و ۲۲۳ و ۲۲۶ و ۲۲۸ و ۲۵۶ و ۲۶۳) که با وجود روایات فراوانش هیچ کدام از رجالیان متقدم از الفاظ تعدیل درباره او استفاده نکرده و در اصطلاح او را توثیق نکرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۶؛ طوسی، بی تا: ۱۱؛ ابن داوود، ۱۳۸۳: ۲۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۴). اما بیشتر رجالیان متأخر با توجه به بزرگی مقام او در میان علمای شیعه و شواهد دیگر بر وثاقت او رأی داده‌اند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۱۶/۱؛ نمازی، ۱۴۱۲: ۲۲۲/۱-۲۲۴). به هر ترتیب، برخی از فقها او را به عنوان راوی ممدوح، و روایاتش را حسن در نظر می‌گیرند (ربانی، ۱۳۸۹: ۴۰). نجاشی در شرح حال او می‌نویسد: «انه اول من نشر حدیث کوفیین بقم» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۶). رجالیان این گفته را نوعی مدح برای ابراهیم بن هاشم به حساب آورده‌اند. به این دلیل که قمی‌ها در قبول روایات ائمه بسیار سخت‌گیر بودند و اگر روایات ابراهیم بن هاشم را پذیرفته‌اند بر وثاقتش اعتماد داشته‌اند (بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ۱-۴۶۴-۴۶۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۱۷/۱-۳۱۸). با این حال اگر سخت‌گیری قمی‌ها در خصوص عقاید غلوآمیز و در نقطه مقابل رواج اندیشه‌ها و روایات غالیانه در کوفه آن دوران را در نظر بگیریم (جباری، ۱۳۷۹: ۷۵-۷۸؛ آقاجانی قناده، ۱۳۸۰: ۸۹-۹۰) و سپس این واقعیت را به یاد بیاوریم که ابراهیم بن هاشم از پرکارترین راویان در نقل احادیث دلایل امامان (ع) است می‌توانیم در مدح بودن این جمله در حق ابراهیم بن هاشم تردید کنیم و آن را تذکری در تضعیف او به دلیل نشر روایاتی که قبلاً از طرف قمی‌ها پذیرفتنی نبوده در نظر بگیریم و آن را نتیجه تغییری بدانیم که به تدریج در موضع قمی‌ها درباره نقل روایات مشکوک به غلو ایجاد شده بود (نک: صفری فروشانی، ۱۳۸۴ الف: ۳۵).

محمد بن خالد البرقی و احمد بن محمد بن خالد البرقی دیگر راویانی هستند که در ابتدای بسیاری از اسناد دلایل و معجزات امامان (ع) حضور دارند (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۳۳۹ و ۳۹۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۶/۱ و ۲۰۸/۲ و ۲۲۸) با اینکه نجاشی محمد بن خالد البرقی را در حدیث ضعیف دانسته و ابن غضائری او را به اعتماد به روایان ضعیف و نقل احادیث مرسل متهم کرده، شیخ طوسی او را ثقة دانسته است و در تعارض آرای نجاشی و طوسی رجالیان متأخر معمولاً به دلیل اینکه نجاشی تضعیف را متوجه خود

محمد بن خالد نکرده رأی به وثاقت او داده‌اند. درباره فرزندش احمد نیز همین صفات آورده شده است و منابع در عین حال که خودش را توثیق کرده‌اند به شیوه او در نقل احادیث از ضعفا، و اعتمادش به احادیث مرسل اشاره کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۷۶؛ طوسی، بی‌تا: ۵۱؛ ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹). احمد بن محمد بن خالد البرقی نیز از جمله افرادی بود که احمد بن محمد بن عیسی او را به اتهام غلو از شهر قم اخراج کرد. هرچند بعد از مدتی از کار خود پشیمان شد و او را به قم باز گرداند (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲/۲۶۱).

محمد بن عیسی بن عبید، معروف به الیقظینی، و عبیدی دیگر راوی مهم روایات دلایل امامان (ع) است (برای نمونه: ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۷۹ و ۲۲۰/۲ و ۲۰۹ و ۲۲۱). نظر علمای رجال درباره محمد بن عیسی بن عبید متفاوت است. نجاشی از او به نیکی یاد کرده و او را ثقه و جلیل دانسته است و این سخن ابن‌ولید را نقل کرده است که «ما تفرد محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا تعتمد علیه» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۳). همین سخن ابن‌ولید دلیلی بوده برای اینکه شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* او را به صراحت تضعیف کند (طوسی، بی‌تا: ۴۰۲) اما رجالیان متأخر، و از جمله آیت‌الله خویی، در این رأی شیخ طوسی مناقشه کرده‌اند و استثنای ابن‌ولید را در حق روایات محمد بن عیسی از یونس دانسته‌اند، نه همه روایات محمد بن عیسی، و با توجه به قرائن دیگر حکم به وثاقت و صحت روایات محمد بن عیسی داده‌اند (خویی، ۱۴۱۰: ۱۱۶/۱۷-۱۲۰). اما تضعیف شیخ طوسی درباره محمد بن عیسی بن عبید وجه دیگری هم دارد: شیخ طوسی بعد از بیان سخن ابن‌ولید گفته است: «و قیل انه کان یذهب مذهب الغلاة» (همان). آیت‌الله خویی این سخن شیخ طوسی را نیز به دلیل مغایرت با گزارش‌های دیگر از جمله گزارش نجاشی در بزرگی شأن محمد بن عیسی بن عبید، رد کرده است (خویی، ۱۴۱۰: ۱۱۸/۱۷).
مفضل بن عمر از دیگر راویان روایات معجزه امامان است که نامش در اسناد روایات پرتکرار، اما وثاقتش محل تردید است. نجاشی او را فاسدالمذهب و مضطرب‌الحدیث دانسته و اشاره کرده است که او را خطابی دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۱۶). ابن‌غضائری او را ضعیف و غالی و خطابی دانسته و تأکید می‌کند که غالیان روایات فراوانی ساخته‌اند و به او نسبت داده‌اند (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴: ۸۷)، اما کشی، در *اختیار معرفة الرجال*، هم روایاتی در مدح او آورده و هم روایاتی با مضمون ذم او (کشی،

۱۳۴۸: ۶۱۲-۶۲۱). همین موضوع و نیز شواهدی دیگر از جمله اعتماد شیخ طوسی به او و مدح شیخ مفید درباره او و قطعی نبودن قول به غالی بودنش، برخی از رجالیان متأخر، از جمله آیت‌الله خویی، را بر آن داشته تا در پایان بحثی مفصل درباره مفضل بن عمر، با صراحت او را موثق بدانند (خویی، ۱۴۱۰: ۲۹۲/۱۸-۳۰۵؛ نمازی، ۱۴۱۲: ۴۷۷/۷-۴۸۱).

سومین آسیب مهم روایات دلایل و معجزات و کرامات امامان مرسل بودن بسیاری از این روایات است. در بالا نوعی از ارسال در سند، که همان حذف کامل سند در منابع دلایل‌نگاری است، بررسی شد، اما گونه رایجی از ارسال در سند حذف یک یا دو نفر از میانه سلسله اسناد روایات است که گاهی به شکل جلی و با ذکر عباراتی مانند عن رجل، عن ذکر، بعض اصحابنا و ... مشخص می‌شود و گاهی به شکل خفی و پنهان است و فقط با بررسی طبقات اسناد می‌توان به آن پی برد (نک: سبحانی، ۱۴۱۲: ۹۵؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۶: ۱۱۰؛ ربانی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۴؛ نفیسی، ۱۳۸۸: ۱۵۳). بخش مهمی از روایات موجود درباره دلایل و کرامات امامان (ع) روایاتی مرسل است که بیشترش نیز ارسال جلی دارد (برای نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۱۷۳ و ۲۴۹ و ۳۳۴ و ۳۴۹ و ۳۷۴؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۳۵۴/۱ و ۴۷۳ و ۵۱۳؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۷۶/۲ و ۱۱۳/۱؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۴/۱).

نتیجه

چنان‌که در مقدمه این نوشتار آمد، آنچه نتایج این تحقیق به دست می‌دهد به هیچ وجه سخن آخر درباره روایات دلایل امامان (ع) نیست. آنچه در اینجا بررسی شده صرفاً نقد متون و روایان کتب دلایل بر اساس علم درایة‌الحدیث است. تا زمانی که این روایات از نظر محتوا و نیز از دیدگاه‌های دیگر، غیر از قواعد درایة‌الحدیث، بررسی و نقد نشود نمی‌توان درباره کلیت روایات دلایل و کرامات امامان شیعه (ع) داوری کرد.

با وجود این، آنچه بر اساس نتایج این پژوهش آشکار می‌شود این است که بخش عمده‌ای از متون دلایل‌نگاری و روایی از نظر درایة‌الحدیث اشکال دارند. این روایات، که در طول قرون متمادی در منابع روایی شیعه جمع‌آوری شده، با وجود اهمیتی که از نظر اعتقادی برای شیعیان داشته هیچ‌گاه بررسی سندی نشده است. نه تنها اعتقاد به اصل توانایی امامان (ع) برای انجام دادن افعال خارق‌العاده، بلکه همچنین علاقه به گسترش

این باور در میان توده‌های شیعی، شاید به عنوان ابزاری در مقابل گروه‌های مخالف شیعه، عاملی در آسان‌گیری محدثان و پذیرش و نقل روایات بدون بررسی اسناد آنان بوده است.

بسیاری از روایانی که نقشی عمده در نقل روایات دلایل داشته‌اند یا از گروه روایان ضعیف و متهم به غلو بوده‌اند، یا از روایانی که از نظر رجالی ناشناخته‌اند و بر وثاقتشان دلایل محکمی در دست نیست، یا تردیدهای مهمی درباره آنها وجود دارد. اگر از امکان جعلی بودن سند روایات صرف نظر کنیم، فراوانی حضور روایان ضعیف و مجهول در سند این روایات را باید نشانگر نقل فراوان روایات دلایل از سوی گروهی از روایان شیعه بدانیم که کمتر شناخته شده و محل رجوع بودند و جوامع علمی شیعه به آنها اعتماد داشتند؛ و همین گروه از روایان بیشترین علاقه را به نقل چنین روایاتی داشته‌اند. با وجود این، باید در نظر داشت که ضعف سند روایات دلایل امامان (ع) متوجه همه روایات نیست و در میان انبوه روایات دلایل، بخشی از روایات نیز از صحت سند برخوردار است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله خلاصه نتایج پژوهشی است که بر روی حدود هفتصد روایت دلایل و کرامات امامان در پایان‌نامه‌ای با مشخصات زیر صورت گرفت: متون و روایات دلایل و معجزات ائمه «امام صادق (ع) تا امام مهدی (عج)» در منابع شیعی قرن دوم تا پایان قرن ششم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کامران محمدحسینی، استاد راهنما: اصغر قائدان؛ استاد مشاور: محمدصادق جمشیدی، دانشگاه پیام نور تهران - جنوب، بهمن ۱۳۹۰.
۲. درباره کتاب *دلایل‌الامامة* این نکته را باید متذکر شد که ناشناس بودن نویسنده آن تنها ضعف کتاب نیست بلکه بیشتر روایات آن به دلایل متعدد ضعیف است که نمونه‌های آن را در ادامه مقاله خواهیم دید.
۳. درباره معنای دقیق اصطلاح مجهول و نیز کاربرد آن نزد رجالیان اختلاف‌های بسیاری وجود دارد. در این پژوهش صرف نظر از جزئیات این اختلافات، واژه «مجهول» به طور کلی برای اشاره به روایانی استفاده شده که تقه‌بودن یا نبودن آنها، به دلیل کمبود روایات یا تضاد نظر رجالیان، معلوم نیست (درباره معانی اصطلاح مجهول نک.: سبحانی، ۱۴۲۵، ۱۲۱-۱۲۲؛ جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴۷-۱۴۸).

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*، تهران: نقش جهان.
- ابن داوود، حسن بن علی (۱۳۸۳). *رجال ابن داوود*، تحقیق: جلال‌الدین حسینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن غضائری، احمد ابن حسین (۱۳۶۴). *رجال ابن الغضائری*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- انصاری، محمدرضا (۱۳۷۳). «طبری سوم و کتاب دلائل الامامة»، در: *کیهان اندیشه*، ش ۵۸، ص ۱۳۸-۱۵۲.
- آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۰). «ابراهیم بن هاشم کوفی»، در: *علوم حدیث*، ش ۱۹، ص ۸۷-۱۰۲.
- بحر العلوم، سید محمدمهدی (۱۳۶۳). *الفوائد الرجالية*، تهران: کتابخانه صادق.
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۳). *مدینه معجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جباری، محمدرضا (۱۳۷۹). «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم»، در: *مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۵۷-۸۰.
- جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). *معجم مصطلحات الرجال و الدراریه*، قم: دار الحدیث.
- حسین بن عبدالوهاب (بی تا). *عیون المعجزات*، قم: مکتبه الدوری.
- حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱). *مختصر بصائر الدرجات*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *رجال العلامة الحلی*، قم: دار الذخائر.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *کشف المراد فی تصحیح الاعتقاد*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خدایاری، علی نقی (۱۳۸۲). «گزارشی از سیر مباحث درایه در امامیه تا سده دهم هجری»، در: *علوم حدیث*، ش ۳۰، ص ۱۳۶-۱۶۳.
- الخصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). *هدایة الکبری*، بی جا: البلاغ.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰). *معجم رجال حدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹). *الخرائج والجرائح*، قم: مدرسه الامام المهدی.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۸۰). *دانش درایه الحدیث*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۸۹). *آسیب شناسی حدیث*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). *اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراریه*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۵). *کلیات فی علم الرجال*، قم: دفتر نشر اسلامی.
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۱). *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- صدر عاملی، حسن (بی تا). *نهایه الدراریه*، تحقیق: ماجد الغرباوی، قم: مشعر.
- صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴ الف). «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری»، در: *مجله طلوع*، ش ۱۶، ص ۱۵-۴۶.

بررسی اسناد روایات دلایل و کرامات امامان شیعه (ع) بر اساس قواعد درایة الحدیث / ۷۳

صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴ ب). «محمد بن جریر طبری آملی و دلایل الامامة»، در: علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۲۳-۲۴۰.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). *اعلام الوری*، قم: آل البيت.

طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳). *دلایل الامامة*، قم: بعثت.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱). *رجال طوسی*، نجف: انتشارات حیدریه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۴). *امالی للشیخ محمد بن الحسن الطوسی*، نجف: مکتبه الاهلیه.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الفهرست*، نجف: المکتبه المرتضویه.

طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم و تهران: اسماعیلیان و کتابخانه اسلامی.

عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۸). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و دارالحدیث.

فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۹۸۶). *الاربعین فی اصول الدین*، قاهره: بی نا.

الفضلی، هادی (۱۴۱۶). *اصول علم الرجال*، قم: مؤسسه ام القری.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *اختیار معرفه الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*، تهران: اسلامی.

مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۶). *درایة الحدیث*، قم: دفتر نشر اسلامی.

مسعودی، علی بن الحسن (۱۴۲۶). *اثبات الوصیه*، قم: انصاریان.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶). *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.

نقیسی، شادی (۱۳۸۰). «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، در: مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۰، ص ۱۱-۴۴.

نقیسی، شادی (۱۳۸۸). *درایة الحدیث*، تهران: سمت.

نمازی، علی (۱۴۱۲). *مستدرکات علم رجال حدیث*، تهران: شفق.

